

انتقاد ادبی

دیوان میرزا صادق خان امیری ادیب الممالک فراهانی قایم
مقامی بتدوین و تصحیح و حواشی و حید دستگردی - در مطبعه ارمغان
آبانماه ۱۳۱۲ شمسی انجام یافت .

این کتاب گرانها بقطع وزیری در ۷۵۶ صفحه متن و ۵۰ صفحه ملحقات و ۶
صفحه مقدمه از چاپ بیرون آمده است .

یکی از آرزوهای بیست ساله دوستداران شعر فارسی انتشار دیوان اشعار
این شاعر زبردست زمان ما بود . ادیب الممالک شاعریست که در حواصت سی ساله
آغاز قرن حاضر همواره نزدیکان بادیات ایران را مسرور کرده و درین مدت
شهرت سخن وی در سراسر ایران پیچیده بود و شاید کمتر شاعری در عصر خود
تا بدین پایه مردم را بشعر خود مشغول کرده است ، زیرا که در حوادث سیاسی
و مسائل اجتماعی ایران بهترین سخن منظوم را سروده و قدرتی در قافیه پردازی و
سخن پروری داشت که از بسیاری پیشینیان خود نیز ممتاز بود . وزن و قافیه
همواره بازیچه طبع او بود ، کلمات را هرطوری که میگرداند و بر
خلاف بسیاری از شعرای اسیر کلمات نبود بلکه کلمات اسیر و دست نشاندۀ وی بودند .
قوافی مشکل و لغات مهجور قدیم و جدید را با نهایت قدرت در میان سخن خود می نشانند و در
مدح و تعریض و مبالغه در خوبی و بدی منتهای توانائی داشت . کسانی که با وی
مآشر بوده اند هنوز بیاد دارند که لفت فارسی و عربی و اندکی از کلمات زبان
فرانسه را هرطور که میخواست می گرداند و هرگز هیچ يك از معانی که در ذهن
او می نشست بسدی از الفاظ بر نمیخورد .

بهین جهت انتشار دیوان وی آرزومندان بسیار داشت و حتی یکی از مشکلات
ادبی عصر حاضر شده بود زیرا که چندین کس از هواخواهان وی بجمع اشعار و
بدست آوردن سخنهای نثر او همت گماشته و پس از کوششها نتیجه ای نگرفته
بودند . اینک پس از نرجها و انتظارات بسیار این مشکل بهمت شاعر سخن شناس
آقای وحید دستگردی مدیر مجله ارمغان گشاده شده و این کتاب بدست خواهندگان
افتاده است .

در دقت های بسیار که از حیث چاپ و ظرافت کتاب و تصحیح و جمع
آوری و توضیح اشعار شده است بهیچ وجه سخن نیست و جز آفرین چیزی نتوان
گفت ، در تعرفه اشعار این استاد بزرگک زمانه نیز چیزی بر آنچه مشهور شده
است نتوان افزود جز آنکه چاپ این صحایف جنبه دیگری از شاعری ادیب الممالک

را معرفی میکند که شاید فقط بعضی از خواص و نزدیکان بوی از آن آگاه بودند و آن اینست که این استاد بیشتر در اوایل شاعری و کمتر در زمانهای اخیر هر وقت خواسته است تقلیدی و تجدیدی از شعرای قدیم ایران و باصطلاح شعر سبک خراسانی و ماوراء النهری (ترکستانی) بمیان آورد منتهی درجه قدرت را نشان داده و در دیوان وی قصایدی است که اگر بدیوان هر یک از شعرای قرن پنجم و ششم ایران بیفزایند چیزی از آن شاعر نمی‌گاهد. همه کس جنبه اشعار عصری و اجتماعی جدید ادیب‌الممالک را می‌دانست و فقط معدودی این جنبه استادی وی را نیز شناخته بودند. اینک این جنبه نیز بتوسط این نسخه آشکار شده است و این پیرایه ایست که ادیبان ایران از آن مرهون آقای وحید دستگردی خواهد بود.

تتها نکته ای که می‌توان گرفت و آنهم فقط متوجه این کتاب نیست و در باب تمام شعرای ایران که دواوین ایشان را باید بمرور چاپ کرد واردست اینست که البته هر شاعری در میان چندین هزار سخن منظوم که سروده است گاهی يك یادو بیت ناروا و سست از طبع وی گریخته و یا روح بزرگی در آن نشان نداده و جنبه ضعف عمومی فرزند آدمی را ظاهر کرده است و با گاهی طبیعت وهزلی با نزدیکان یا کینه جویان کرده است که خود اگر می‌بود از انتشار آن شرمنده می‌شد و سرباز می‌کشید و البته هنگام طبع آثار وی صرفه آن گوینده نیز در اینست که آن سخنان را ترك کنند و در این موارد ترك آن اولی است. در دیوان ادیب‌الممالک نیز گاهی اشعاری است که می‌بایست جزو اسرار ناگفته شاعر بماند و نزد نامجرمان دیار ادب فاش نشود و همین نکته را نیز باید در چاپ کردن گفته‌های پیشینیان چه بزرگ و چه کوچک رعایت کرد. منتهی چون آقای وحید دستگردی خواسته اند که در میراث سخن سرائی استاد منتهای امانت را بکار برند و ازین حیث نیز مساعی خود را ظاهرتر سازند نسبت بهمت بزرگ ایشان جز ستایش چیزی نیست و در خدمتی که ایشان بوسیله این کتاب بزبان فارسی کرده اند جای هیچ گونه سخن نیست. س. ن.

شیر هم شیر بود گرچه بزنجیر بود

هر بزرگی که بفضل و بهتر گشت بزرگ نشود خرد بید گفتن بهمان و فلان
گرچه بسیار بماند بنیام اندر تیغ نشود کند و نگردد هنر تیغ نهان
ورچه بسیار نهان ماند ماه اندر میغ نشود تیره و افروخته باشد بمیان
شیر هم شیر بود گرچه بزنجیر بود نبرد بند و قلاده شرف شیر ژبان
باز هم باز بوده از چه که او بسته بود شرف بازی از باز فکندن نتوان

فرخی سیستانی